

خودی از نگاه دیگری در سفرنامه نیکولا بوویه

فاطمه خان محمدی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۵

الناز عالی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۳

چکیده

سفرنامه آینه‌ای است که می‌توان انعکاس تصویر زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آداب و رسوم و باورها و اعتقادات، رفتار و کردار و فراز و نشیب‌های زندگی جوامع مختلف را در آن دید، تصویری گویا و روشن و تا حدود زیادی خالی از غرض‌ورزی و ملاحظه. از جمله این سفرنامه‌ها، سفرنامه «راه و رسم جهان» اثر نیکولا بوویه است. این جهانگرد سوئیسی ضمن سفر به سرزمین‌های مختلف، گزارشی جذاب، صادقانه و دقیق از چگونگی معیشت مردم، وضع شهرها، صنایع و تولیدات، مدارس، آداب و رسوم مذهبی مردم، عملکرد طبقات حاکم و ... به دست می‌دهد که از دیدگاه ادبیات تطبیقی بسیار ارزشمند و حایز اهمیت است؛ در این مقاله بر آنیم که با تکیه بر سفرنامه «راه و رسم جهان» اثر بوویه به مطالعه و بررسی مظاهر و فرهنگ ایران زمین از منظر ادبیات تطبیقی بپردازیم.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، سفرنامه، نیکولا بوویه، راه و رسم جهان، ادبیات فولکلور، تصویر ادبی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه زبان فرانسه، تهران- ایران.

Fatemeh_khan@yahoo.fr

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران- ایران.

eln_aali@yahoo.com

نویسنده مسئول: الناز عالی

مقدمه

سفرنامه‌ها اغلب منابع باارزشی محسوب می‌شوند که در روشن‌نمودن جنبه‌های مختلف تاریخ اجتماعی به ویژه آنجا که از دید مورخین پنهان مانده است به کار می‌آیند. به کمک همین سفرنامه‌ها است که بازسازی فضای فرهنگی و اجتماعی و ... گذشته، امکان‌پذیر می‌گردد و بر همین اساس می‌توان گفت سفرنامه‌ها از نظر تاریخ‌نگاری دربردارنده مطالبی هستند که در تاریخ‌نگاری فرهنگی فوق‌العاده حائز اهمیت هستند.

به سفرنامه‌ها به عنوان یکی از منابع شناخت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع توجه شده، ولی این توجه همواره با محدودیت‌هایی در فهم، شناخت و تفسیر نیز قرین بوده است. سفرنامه در واقع، نوعی روایت است، روایتی که قالب زمان، مکان، موقعیت و رخدادها، تنگنمایی را برای آن به وجود می‌آورد. در تاریخ غرب، یکی از رسانه‌های مهم در شناخت شرق و ایران سفرنامه‌ها بوده است، که بنیان‌های اولیه تصاویر دیگران را در سنت غربی فراهم می‌کرده‌اند.

در طول تاریخ، سیمای ایران در ذهن و اندیشه غرب، پیوسته جلوه‌ای متضاد و دوگانه داشته است. سیمای حقیقی ایران و ایرانی به عنوان یکی از ارکان بنیادین تمدن جهانی، تحت تأثیر سفرنامه‌های سیاحان دربار ایران و به خصوص برداشت‌های عالمانه و حکیمانه فیلسوفان غربی از داده‌های این سفرنامه‌ها، برای همیشه در ادبیات غرب نقش بسته است.

سفرنامه‌ها توصیف دیده‌ها و شنیده‌ها با ترکیبی از برداشت‌های فکری و شخصی جهانگردان، از یک سرزمین و مردم آن، زندگی روزانه آنان، آداب و رسوم، خلق و خو، خوراک، پوشاک، صنعت و فرهنگ آن مردم است.

در این نوشتار به خلاصه‌ای از زندگی نیکولا بوویه، دلایل سفر او به شرق و ایران و سپس به بررسی نکات جالب و جذاب سفرنامه او از منظر ادبیات تطبیقی خواهیم پرداخت. اما پیش از آن، ابتدا تعریفی اجمالی از ادبیات تطبیقی ارائه داده و سپس رابطه و پیوند آن را با ادبیات سفرنامه‌ای ذکر خواهیم کرد.

ادبیات تطبیقی و ارتباط آن با سفرنامه

ادبیات تطبیقی یکی از فروع مهم و ارزشمند حوزه علوم انسانی است که پس از ظهور مدرنیسم و نگاهی نو به انسان و جامعه، بر اساس نیاز عصر و با هدف گسترش دایره ادبیات، آشنایی با ادبیات و فرهنگ سایر ملل جهان، گسترش تفاهم و دوستی بین ملت‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌های کشورهای مختلف، در اواخر دهه سوم قرن نوزدهم میلادی در فرانسه ظهور کرد و در اواخر قرن نوزدهم به صورت یک علم درآمد. ادبیات تطبیقی علاوه بر تقویت شخصیت قومی یک ملت و بیان سهم کوشش‌های هنری و فکری آن در میراث ادب جهانی، نقش مهمی در آشکار ساختن پیوندهای فکری و فرهنگی ملت‌ها و تقویت و استحکام مبانی آن‌ها دارد.

ناگفته پیداست که داوری ملت‌ها درباره یکدیگر متفاوت است و هر کدام نسبت به دیگری رأی و نظر خاصی دارد که بازتاب آن را در ادبیات آن ملت‌ها می‌یابیم؛ چراکه ادبیات، جلوه‌گاه چگونگی روابط یک ملت با دیگر ملل و رأی و نگرش آن‌ها نسبت به یکدیگر نیز است. لذا تحقیق در مورد سفرنامه‌ها، داستان‌ها و نمایشنامه‌ها به منظور اطلاع از دیدگاه و نگرش ملت‌ها نسبت به یکدیگر، امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا چهره‌ای که جهانگردان از ملت‌ها ترسیم می‌کنند- درست یا نادرست- تا حد زیادی، همان چهره‌ای است که در داستان‌ها، نمایشنامه‌ها و اندیشه سیاست‌مداران و متفکران وجود دارد.

از آنجایی که سفرنامه‌ها جزو منابع مهمی هستند که اطلاعات ارزنده‌ای درباره شئون مختلف فرهنگ عمومی ملت‌ها در اختیار پژوهنده قرار می‌دهند، با تکیه بر روش‌های تحقیق در ادبیات تطبیقی، می‌توان از آن‌ها در شناخت هر چه بیش‌تر و بهتر ملت‌ها بهره جست.

تحقیق و پژوهش درباره سفرنامه‌هایی که در گذشته در مورد کشور ما و سایر کشورها به رشته تحریر درآمده است، تا حد زیادی می‌تواند زوایای تاریک و مبهم زندگی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیشینیان را برای ما روشن کند و آینه‌ای شفاف فرا روی ما قرار دهد، که در آن تصویر گذشته خویش و سایر جوامع را به صورت واضح و

روشن ببینیم و آداب و رسوم و عقاید و فرهنگ خویش و دیگران را از دریچه نگاه ادیبی بیگانه - که مطمئناً نگاهی متمایز و متفاوت است - نظاره‌گر باشیم. انعکاس و پژواک تصویری که ادبیات سفرنامه‌ای یک کشور از ملتی دیگر ارائه می‌دهد، در قصه‌های نویسندگان و اشعار شعرای همان عصر یا ادوار بعد تجلی می‌یابد و بدین ترتیب، ادبیات آن کشور را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. حال، پیش از آنکه به بررسی سفرنامه «راه و رسم جهان» نیکولا بوویه از منظر ادبیات تطبیقی بپردازیم، نگاهی گذرا به زندگی و سفرنامه او و اهمیت و جایگاه آن در میان سایر سفرنامه‌ها می‌اندازیم.

نیکولا بوویه که بود؟

نیکولا بوویه در ششم مارس ۱۹۲۹ در ژنو متولد شد. دوره ابتدایی را در مدرسه مذهبی گذراند. در سنین شش تا هفت سالگی، کتاب‌های ژول ورن، جک لندن، رابرت لویی استیونسن و فنیمور کوپر را مطالعه می‌کرد. او کودکی خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «در هشت سالگی، در حالی که با نوک انگشتانم، کره را بر روی نان تست لمس می‌کردم، تصور می‌کردم که بلندی‌های یوکان را پشت سر می‌گذارم». نیکولا بوویه یازده سال بیشتر نداشت که جنگ دوم جهانی آغاز شد. بوویه بسیار سریع روزنامه و کتاب می‌خواند. عشق به دانستن او را زود در جریان تحولات فکری قرار داد. در همان سنین با هرمان هسه آشنا شد.

بوویه در حین تحصیل برای مجلات سوئیسی مقاله می‌نوشت. از سال ۱۹۴۶، هنگامی که بوویه جوان فقط هفده سال داشت، مسافرت‌های مختلف خود را به بورگوین، توسکانی، پروونس، فلاندرز، صحرای بزرگ آفریقا، لاپلند و آناتولی آغاز کرد. این مسافرت‌ها شروع راه تبدیل شدن او به یک جهانگرد بود. مسافرت‌های پی در پی او به اقصی نقاط دنیا، او را تشویق کرد تا تجربیات و ماجراجویی‌های خود را منتشر نماید. سفرهای بعدی نیکولا بوویه به ایران، بمبئی، مانیل، سایگون و ژاپن بود. بوویه در سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴ با دوست نقاش‌اش، تیری ورنه، یادداشت‌هایش را تنظیم کرد و در سال ۱۹۶۳ کتاب «راه و رسم دنیا» را منتشر کرد. از بین آثار منتشرشده او

کتاب‌های «راه و رسم دنیا» و «نیش عقرب» به شهرت فراوانی دست یافتند. بوویه در سال‌های بعد، آثار عکاسی خود را منتشر کرد و جوایز متعددی را دریافت نمود. او در سال ۱۹۸۲، برنده جایزه بزرگ ادبی منتقدین شد. هم‌چنین در سال ۱۹۸۶، جایزه «نامه‌های زیبا» را از آن خود کرد. جایزه راموز نیز در سال ۱۹۹۵ به جهت فعالیت‌های هنری و ادبی به وی تعلق گرفت. سرانجام، او در هفدهم فوریه ۱۹۹۸ به دلیل بیماری سرطان درگذشت.^۱

سفرنامه راه و رسم جهان نیکولا بوویه

سفرنامه نیکولا بوویه به مشرق‌زمین به چهار قسمت ترکیه، ایران، افغانستان و پاکستان تقسیم می‌شود. بوویه این سفر را با ملحق شدن به دوست نقاش‌اش، تیری ورنه در بلگراد آغاز کرد، تا از آنجا به اتفاق هم، در خلال ماه‌های طولانی و پیش از جدایی، پای در مسیر بگذارند. بوویه در کتاب «راه و رسم جهان»، و در همان آغاز، هدف از سفر خود را رسیدن به «گذرگاه خیبر» اعلام می‌کند، که این سرزمین مابین پیشاور (پاکستان) و کابل (افغانستان) قرار دارد و از حیث تاریخی نیز به لحاظ مقاومتی که افغان‌ها در مقابل انگلیسی‌ها در سال ۱۸۴۲ از خود نشان دادند، شهرتی فراوان دارد. سفر وی یک سال به طول انجامید. تنها وسیله تجملی این سفر، اتومبیلی بود که آن‌ها را به هر سوی که اراده می‌کردند می‌برد. این سفر چنان کند پیش می‌رفت، که این کندهی خود به نوعی از هنر بدل شده بود.

بدون تردید سفرنامه بوویه یکی از جذاب‌ترین و جالب‌ترین سفرنامه‌هایی است که تا کنون نوشته شده، چراکه حس ملاحظه این سیاح فوق‌العاده و بی‌نظیر است و با چنان دقت و ظرافتی صحنه‌های مورد مشاهده را شرح می‌دهد که خواننده احساس می‌کند، عیناً در آن مکان حضور داشته است.

بوویه همراه دوست خود، بعد از عبور از کشورهای اروپای شرقی و ترکیه، از مرز بازرگان وارد ایران می‌شود و از آنجایی که این سفر، اولین سفر وی به عنوان سیاح و سفرنامه‌نویس است، بنابراین نگاهش به سرزمینی مثل ایران، نگاهی آکنده از حس

¹ A propos de Nicolas Bouvier, le nomade éternel, Le nouvel observateur, par Mona Ozouf

کنجکاوی و پژوهش است. شاید تفاوت دو دنیای غرب و شرق در هنگام عبور از کشورهای اروپای شرقی و حتی ترکیه چندان محسوس به نظر نمی‌رسد، ولی به محض ورود به ایران، این شکاف عمیق‌تر می‌شود. به عنوان مثال هنگامی که او می‌نویسد: «مأمور گمرگ مانند کشاورز فرانسوی لباس پوشیده بود»^۱ یا «زمان نیز مانند نوشتار تغییر کرده بود: در طول شب ما از قرن بیستم میلادی به قرن چهاردهم هجری عبور کردیم و وارد دنیای دیگری شدیم»^۲، شکاف عمیق بین غرب و شرق را نشان می‌دهد.

ورنه مدتی پس از آغاز سفر، دوست خود را رها کرد و به سوئیس بازگشت و از آن پس بوویه به تنهایی به سفر پرداخت. بوویه خاطرات سفر دو نفره‌شان از یوگسلاوی تا افغانستان را در کتابی با نام «راه و رسم جهان» به چاپ رساند، که مهم‌ترین ماجراهای این کتاب در ایران روی می‌دهد. او در این کتاب به شرح آشنایی‌های خود با مردم این مناطق و روحیات آن‌ها پرداخته‌است. این کتاب در ادبیات فرانسه جایگاه ویژه‌ای کسب کرد. طنز و طعنه هوشیارانه این کتاب، تصویری از دنیای واقعی ترسیم می‌کند که از ساده‌ترین ارتباطات فرهنگی نشأت می‌گیرد.

از خواندنی‌ترین مطالب این سفرنامه، اقامت وی در محله آرامنه تبریز آشنایی‌اش با کردها و پس از آن، آشنایی‌اش با طرفداران دکتر مصدق و صادق هدایت در تهران، در سال ۱۳۳۰ شمسی است. وی اقامت خود در ایران را بسیار جذاب و نوستالژیک وصف می‌کند. از دیگر مطالب خواندنی سفرنامه بوویه، این است که علاوه بر اینکه به سنت‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره نخست‌وزیری مصدق توجهی خاص دارد، در اکثر مواقع این‌گونه مسائل را با سنت‌های رایج در غرب مقایسه نموده و درباره آن‌ها به قضاوت می‌کند؛ به همین جهت است که خواننده فارسی زبان امروز، نه تنها با بخش‌هایی از سنت‌های رایج ایرانی عصر مصدق آشنا می‌شود، بلکه با این مقایسه، بخشی از مسائل اجتماعی و فرهنگی غرب نیز بر او روشن می‌گردد.

بخش‌های جذاب این سفرنامه که حاوی نکات خواندنی و اطلاعات گرانقدری در خصوص ایران است، به شرح زیر می‌باشد:

^۱ Bouvier, Nicolas. *Œuvres, L'usage du monde*, p. 168

^۲ Ibid. p. 172

بوویه در تبریز و آذربایجان

مشکلات مالی ناشی از سفر، بوویه و ورنه را مجبور کرد تا به سرعت از استانبول به سمت مرزهای ایران حرکت کنند. اولین شهر بزرگی که این دو جهانگرد در ایران به آن وارد شدند تبریز بود. در طول مدت اقامت‌شان در تبریز به آموزش زبان فرانسوی و دیدار با مقامات محلی پرداختند. بوویه درباره تبریز گفته‌است که: «شهری است که از همه امکانات برخوردار است. مکانی بسیار مناسب برای دو مسافر که در آن اقامت کنند و منتظر آب شدن برف‌های زمستانی باشند»^۱. این اقامت بر اساس برنامه قبلی نبود و به دلیل بارش برف در راه‌های منطقه و نیز روحيات ماجراجویانه بوویه انجام گرفت، که موجب ناراحتی و بی‌قراری ورنه شده بود.

از ۱۳۵ صفحه مطالبی که در این اثر، در خصوص ایران نوشته شده است، حدود ۷۶ صفحه آن مربوط به آذربایجان به ویژه تبریز می‌باشد و ۵۸ صفحه بعدی به ادامه سفر آن‌ها اختصاص دارد. به عبارت دیگر تقریباً از یازده ماه اقامتی که بوویه در ایران داشت، حدود ۸ ماه آن را در آذربایجان گذراند (از جمله پاییز و زمستان) و سه ماه دیگر را به عبور از مرکز و جنوب شرقی ایران وقف نمود.

وی ضمن تشریح موقعیت جغرافیایی، جمعیت شهر تبریز و بافت شهری ناحیه مذکور، از اماکن باستانی مانند مساجد، کلیساها، حمام‌ها، بازار و محلات قدیمی، سینماها، مدارس، نانوائی‌ها، انواع نان‌ها و غذاها به خصوص از کوفته تبریزی سخن می‌راند و بالأخره از سرمای سوزناک تبریز، از تلاش مردم این شهر و از زندگی روزمره مردم این سرزمین به کرات سخن می‌گوید. از آداب و رسوم مردم تبریز، منش و رفتار آن‌ها می‌نویسد و از فرهنگ حاکم بر خانواده‌ها و معاشرت آن‌ها با یکدیگر و حتی از ضرب المثل‌های رایج در این مناطق، از همسایگان خود و ساکنین و کسبه‌های خیابان شهناز* تبریز صحبت می‌کند.

بوویه ضمن اقامت در تبریز، به شهرهای دیگر آذربایجان و کردستان، از جمله میاندوآب و مهاباد نیز سفر می‌کند و از نزدیک در جریان اوضاع کلی این مناطق قرار می‌

^۱ Bouvier, Nicolas. *Œuvres, L'usage du monde*, p. 174

* خیابان شریعتی جنوبی فعلی

گیرد. بنابراین در افق دید وی، می‌توانیم از عمده‌ترین مسایل سیاسی و اجتماعی گرفته تا ریزترین و موشکافانه‌ترین مشاهدات را بیابیم. به عنوان مثال مسایل سیاسی گذشته ی ایران و تأثیر آن در آذربایجان و کردستان، در این کتاب ذکر شده است (غائله آذربایجان و کردستان ۱۳۲۵-۱۳۲۴ و بعد). در سفر خود به مهاباد، او اوضاع امنیتی کردستان، کردهای مسلحی که کنترل شهرها و جاده‌ها را در دست گرفته‌اند و همچنین چند روزی را که به لحاظ حفظ جان در زندان مهاباد سپری کرده‌اند، را با نهایت دقت و ظرافت توصیف می‌کند.

بوویه به وصف افسانه‌های کردی می‌پردازد و آن را با باورهای مردم کرد پیوند می‌دهد و برای آن‌ها در فرهنگ غرب معادل‌یابی می‌کند. وی از فساد موجود در تشکیلات اداری ایران، به ویژه در ژاندارمری آن زمان سخن می‌گوید و از واژه‌ای که مردم از آن‌ها داشتند حرف می‌زند. از کنترل شدید تبریز برای سرکوبی طرفداران مصدق و به سکوت واداشتن آن‌ها صحبت می‌کند.^۱

وقتی از علاقه مردم تبریز به موسیقی محلی می‌نویسد و از خوانندگان بنام آن زمان نام می‌برد، گویی چنان با فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم عجین شده است، که به هیچ وجه نمی‌توان او را بیگانه تلقی کرد.

بوویه در هشت ماه اقامت خود در تبریز، به خوبی توانسته است محله و مردمانی را که با آن‌ها زیسته است به درستی ترسیم کند. کنجکاوای مردم تبریز، شوخ طبع بودن، رک‌گویی و مهمان‌نوازی آن‌ها را با ظرافت تمام به تصویر کشیده است. اما به لحاظ عدم آشنایی صرف وی با جریان‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ایران، گاهی دچار کج‌روی‌هایی نیز شده است. اواسط ماه اکتبر، دومین ماه اقامت بوویه و ورز در تبریز مصادف با ایام محرم بود. تصویری که بوویه از مراسم روز عاشورا ارائه می‌کند، تصویری کاملاً نادرست است. او با صراحت اذعان می‌دارد که انواع مشروبات الکلی در همه جای شهر به وفور به چشم می‌خورد و در بین مردم پخش می‌شود. این اشتباه به دلیل عدم آشنایی دقیق وی با آیین محرم و روز عاشورا است و احتمالاً شربت‌های نذری پخش‌شده در بین مردم را مشروبات الکلی پنداشته است.

^۱ الله شکر اسداللهی، نیکولا بوویه از تبریز تا میرجاوه، خودی از نگاه دیگری

تهران از دیدگاه بوویه

جهانگرد سوئسی در ادامه سفر خود از تهران عبور کرده و حال و هوای تهران قدیم را توصیف کرده است. مقایسه تهران در آن زمان با تهران کنونی برای کسانی که بزرگی و عظمت امروز آن را می‌بینند، خالی از لطف نیست. او در این باره می‌نویسد: «تهران شهر بزرگی است که خیابان‌های آن پر است از نهرهای پهن و باریک و کوتاه و طویلی، که تعداد آن‌ها فوق العاده زیاد است. خیابان‌های تهران پر از درخت چنار است که فقط در رؤیا می‌توان همانند آن‌ها را تصور کرد. هر یک از این درختان به اندازه‌ای تنومند هستند که می‌توانند چندین کافه کوچک را در سایه خود پناه دهند»^۱.

وی تحت تأثیر زیبایی آسمان تهران و رنگ آبی چنین می‌گوید: «و والا تر از هر مورد دیگری، رنگ آبی در اینجاست. می‌بایست تا اینجا آمد تا رنگ آبی را کشف کرد»^۲.

بوویه تهران را شهری با مردمانی باسواد و تحصیل کرده قلمداد می‌کند. گویی تمام مردم این شهر به زبان فرانسه، به اندازه ادبیات و موسیقی فولکلور ایران علاقه‌مند هستند. «تهران شهری با مردمانی باسواد است، در تهران افراد بسیاری که هرگز موقعیت یا امکانات دیدن پاریس را نداشته‌اند، به خوبی فرانسه صحبت می‌کنند. این نتیجه فرهنگ ایرانی است، که علاقه‌مند به شناخت تجربه غیر خودی * می‌باشد»^۳.

موسیقی ایرانی

ادبیات فارسی از نظر بوویه، که معمولاً به صورت شعر نمایان می‌شود، بسیار خاص، جذاب و گیرا است. مردم ایران، جهش تاریخی کشورشان را که در طول قرن‌ها، بارها به تصرف در آمده، ویران شده و دوباره از خاکستر خود متولد شده است را از طریق شعر بیان کرده‌اند. بوویه که از طبع شعری ایرانیان آگاه است، بارها در اثر خود به صورت

¹ Bouvier, Nicolas. *Œuvres, L'usage du monde*, p. 253

² Ibid. p. 254

* autri

³ Ibid. p. 257

مستقیم یا غیر مستقیم از سنت مسلم خوانش اشعار *حافظ* که در قلب ایرانیان رسوخ کرده است، سخن به میان آورده است.

روزی در تبریز گروهی از گدایان را می‌بیند که به دور آتش جمع شده با نقل اشعاری از شعرای بزرگ ایران تفریح می‌کردند: «گدایان ایران صدها شعر از *حافظ* و *نظامی* را از بر دارند که اغلب در مورد عشق، شراب عرفانی و آفتاب تموز در پس درختان بید است»^۱.

بوویه در کتاب خود اذعان می‌دارد: «موسیقی ایرانی بی‌نظیر است و این شعر، از بالاترین فلسفه باطنی صوفی* دنیا غنی شده است»^۲.

بدین‌سان بوویه با تأکید بر محبوبیت شعر ایرانی که بیش از پانصد سال قدمت دارد، بیان می‌کند: «مردم ایران، این روح‌های حساس، شاعرترین مردم دنیا هستند»^۳، در حالی که همه مردم، بسیاری از غزل‌های *خیام*، *سعدی* و *حافظ* را از بر دارند. از نظر بوویه، اعتبار و معروفیتی که شاعر شیراز *حافظ* در بین ایرانیان دارد، تقریباً در سراسر دنیا بی‌نظیر است.

مهمان‌نوازی مردم ایران

مهمان‌نوازی پر ظرافت ایرانیان نیز یکی دیگر از عواملی است که باعث جلب سیاحان می‌گردد. نیکولا بوویه مهمان‌نوازی ایرانیان را بیش از هر خصلت دیگری ستوده است و در جای جای سفرنامه‌اش در تحسین کردار و منش ایرانیان سخن آورده است. وی می‌نویسد: «در اینجا هرگاه اوضاع کاملاً خراب است، با مهمان‌نوازی، نیکی، ظرافت و کمک بیش‌تری مواجه می‌شویم. دو ایرانی در حین سفر به شهر من، حتی در هنگامی که اوضاع کاملاً بر وفق مراد باشد، نبایستی انتظار مهمان‌نوازی مشابهی را داشته باشند»^۴.

¹ Bouvier, Nicolas. *Œuvres, L'usage du monde*, p. 266

* Esoterisme

² Ibid. p. 262

³ Ibid. p. 266

⁴ Bouvier, Nicolas. *Œuvres, L'usage du monde*, p. 266

ستایش بوویه بیشتر برای فضیلتی است که از مردم عادی و عامی ایران دیده و طبع بلند و مهمان نوازی آنان را ستوده است. در میان این ستودگان، کاروانسراداران بین راه و رانندگان کامیون جای خاصی دارند: «آن‌ها قبول کردند تا ما را هم با خود ببرند، ما و ماشین‌مان را، [...] ماشین را روی کامیون گذاشتیم، خودمان داخل ماشین مستقر شدیم و به آرامی به سمت جنوب به راه افتادیم [...] و چون ما سیاح (مسافر) بودیم، آن‌ها ما را رایگان بردند»^۱.

خوش رفتاری مأمور گمرک و توانایی تکلم وی به زبان فرانسه، نخستین خاطره خوب بوویه به هنگام ورود به مرز ایران است: «در گمرک ایران [...] مأمور گمرک ماشین را لبخندزنان بررسی می‌کرد». «مأمور گمرک به زبان فرانسه گفت: متأسفم دوستان، سربازی شما را تا ماکو اسکورت خواهد کرد، این قانون است»^۲.
ضمن بیان خاطره‌ای از تبریز می‌نویسد: «گاهی اتفاق می‌افتاد که زمانی که در خانه نبودیم، جارویی جادویی اتاق‌مان را تمیز می‌کرد و دستانی نامرئی، کاسه‌ای سوپ تند بر روی میزمان قرار می‌داد»^۳.

هدف بوویه از سفر

واقعیت سفر در نزد بوویه، به خاطر عشق وی به شناخت تجربه‌ای غیرخودی، به خاطر شیفتگی‌اش به سرزمین‌های دوردست و متمایز از مسافرت پیشینیان رمانتیک و چادرنشین خویش می‌باشد و هیچ‌یک از عوامل اقتصادی، سیاسی یا دیپلماتیک عامل سفر او نیست.

بوویه برای برقراری ارتباط با دنیا، جسم‌اش را فرسود تا به نهایت تکامل و به حداکثر پختگی ذهن نائل شود. او ناپدیدشدن، گم‌شدن، سرگردان شدن را پذیرفت تا واقعیتی بزرگ‌تر و عمیق‌تر را در خود زنده کند و این واقعیت، جز شناخت دنیا نیست. به گمان وی، مرگ، غیبت نیست، بلکه نوع جدیدی از حضور است. او می‌پنداشت که تنها

^۱ Ibid. p. 273-275

^۲ Ibid. p. 169

^۳ Ibid. p. 191

شناخت ارزشمند، شناخت خویشتن است. این شناخت، لاجرم از طریق شناخت دنیا حاصل می‌شود. دنیایی که جز بازتاب آفریدگار نیست.

در سفرش به شرق، نگاه او حتی متوجه لاک‌پشت و الاغ بود که کندی آن‌ها نمایانگر نابودی تصاعدی و آرام تمام پدیده‌های زودگذر و زمینی است. بوییه با در نظر گرفتن مسافرت به عنوان نوعی زیارت و نوسازی روح، آسیب‌پذیری جسم را پذیرفت تا به تازگی، تواضع و خشوع دست یابد. فرسودگی جسمی وی در کنار فرسودگی روحی‌اش رخ می‌داد و سختی مسافرت، غرور، تکبر و خودپسندی را در او از بین می‌برد و باعث شناختن ناتوانایی‌ها و محدودیت‌هایش می‌شد. زیر ظاهر مسافرت، ارزش‌های گرانقدری چون عشق، شوخ‌طبعی، صبر، تحمل، آزادی درونی، تواضع و تجلی روح یافت می‌شوند، واقعیت‌هایی که نمایانگر عمق نگاه وی می‌باشند.^۱

آنچه برای بوییه اهمیت دارد، این است که «سفر، عملی است که از انگیزه‌ها پا فراتر می‌گذارد و زود ثابت می‌کند که به هیچ چیزی متکی نیست بلکه به تنهایی محرک همه چیز است. هر مسافر ابتدا فکر می‌کند که سفر را خواهد ساخت، اما به زودی متوجه می‌شود، این سفر است که او را می‌سازد یا خراب می‌کند».^۲

نتیجه بحث

در بررسی و پژوهش در سفرنامه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که ادبیات تطبیقی در این شاخه، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ عامه یا فولکلور دارد، که خود جزئی از ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود، زیرا سفرنامه‌ها در بر گیرنده اموری مانند آداب و رسوم و سنت‌ها، عادات، حکایت‌ها، مثل‌ها و رفتارهایی چون شیوه غذاخوردن، لباس‌پوشیدن، آداب و رسوم و کفن و دفن و ... است که بحث و تحقیق درباره آن‌ها، در حوزه ادبیات فولکلور می‌گنجد.

از آنجایی که سفرنامه‌ها معمولاً در نگارش قصه‌ها و رمان‌ها و به طور کلی آثار سفرنامه نویسان و دیگر ادبا و نویسندگان اثرگذار بوده و دوره تاریخی خاصی را از لحاظ

^۱ Bouvier, Nicolas, « Voyage, écriture, altérité », dans Langue, littérature et altérité, introduction par Dominique Vemaud.

^۲ Bouvier, Nicolas. *Œuvres, L'usage du monde*, p. 82

فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ... مورد بررسی قرار می‌دهد، مورد توجه و عنایت مکتب فرانسه قرار می‌گیرد.

با مطالعه سفرنامه‌هایی که مسافران و جهانگردان در مورد ایران و دیگر ملل نوشته‌اند، می‌توانیم اوضاع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را از دریچه دیگری ببینیم، به جایگاه خود در میان سایر ملل پی ببریم، نقاط مشترک خود و دیگر ملل را بفهمیم و به تفاوت‌های میان خود و آن‌ها پی ببریم. نسبت به آن‌ها احساس نزدیکی کنیم یا حس کنیم که چقدر فرهنگ‌هایمان با هم فاصله دارند. در بررسی سفرنامه بوویه می‌توان همه این امور را ملاحظه کرد.

سفرنامه‌نویس معمولاً به تفاوت‌ها و اختلافات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سرزمین خودش با بلادی که به آن‌ها سفر کرده است، بیش از نکات اشتراک میان آن‌ها توجه دارد و تفاوت‌ها - چه مثبت و چه منفی - توجه‌اش را بیش‌تر جلب می‌کند و گاه مایه حیرت و شگفتی او می‌شود. این امر در مورد بوویه هم صدق می‌کند؛ بنابراین او گاه دست به مقایسه می‌زند و اوضاع و احوال سرزمین‌های مختلف را از جنبه‌های مختلف به خصوص از لحاظ فرهنگی با یکدیگر مقایسه می‌کند و در برخی موارد نیز در مورد آن‌ها اظهار نظر می‌نماید.

سفرنامه‌ها منابع سودمند و ارزشمندی هستند که گاه حکایت از جویندگی دارند و گاه از غربت، گاه حکایت از کشف ناشناخته‌ها دارند و گاه مروری بر خاطره‌ها، گاه حکایت سفری طولانی را به تصویر می‌کشند و گاه روایتی که از سر بداهه گویی در مسیر راه جاری شده و گاه توشه‌ای که از خاطرات سفر بازسازی شده‌اند. اما این گونه ادبی به هر هیبتی باشد، مجموعه‌ای است از لحظات، ادراکات و احساسات، توصیفات و حاشیه‌پردازی‌ها. با این همه، این گونه ادبی، هرگز فناپذیر و از یاد رفتنی نیست و سفرنامه‌های اروپایی گواهی است بر دگرگونی تفکر غربی در مواجهه با تجربه‌ای غیر خودی، در نگاه به دیگری.

در یک نگاه کلی و با جمع بندی مطالب گفته شده، می‌توان چنین بیان کرد که این کتاب، از سه جنبه به خواننده خود آگاهی می‌دهد و برای او مفید می‌افتد:

اول، این سفرنامه با ترسیم وقایع و روند تاریخی دوران مصدق، عاری از هر تردیدی، می‌تواند به عنوان منبعی باارزش برای علاقه‌مندان به تاریخ به منظور مطالعه تاریخ اجتماعی ایران قلمداد شود. این کتاب با بررسی دقیق جامعه ایران در دوران مصدق، درک ریشه‌های تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی ایران معاصر را ممکن می‌سازد.

دوم، این سفرنامه با نگاه جامعه‌شناسانه و از دید مردم‌شناسانه خود، با ورود به زندگی روزمره، آداب و رسوم، آیین و مذهب، سنن و روش زندگی ایرانیان می‌تواند منبع منحصر به فردی در تحلیل وقایع و ریشه‌یابی رویدادهای تاریخی از طریق مطالعه جوامع و مردم آن خطه به شمار رود.

سوم، این کتاب بر خلاف بیش‌تر سفرنامه‌های دیگر، تنها بازگویی صرف دیده‌ها و شنیده‌ها نیست. نثر شعرگونه و سبک ادبی متعالی این نویسنده، این سفرنامه را بدل به یک اثر ادبی بدیع و گیرا می‌کند. در عین حال، بوییه تنها یک مسافر نیست، بلکه نگاه متفکرانه و اندیشمندانه‌ای در زیر جلد این سیاح نهفته است. بوییه یک گزارشگر و راوی عاری از تفکر نیست، او مفسری قهار است که روایتی همراه با تجزیه و تحلیل اندیشمندانه خود ارائه می‌دهد. این ویژگی، این سفرنامه را کتابی ادبی و شعرگونه و با محتوایی عالی و غنی می‌سازد که هم برای خواننده عام و هم پژوهشگران، جذاب می‌نماید.

کتابنامه

حدیدی، جواد. ۱۳۷۹. از سعدی تا آراگون؛ تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه، تهران: نشر دانشگاهی.

کتب غیر فارسی

A propos de Nicolas Bouvier, le nomade éternel, Le nouvel observateur, par Mona Ozouf

Bouvier, Nicolas, L'échappée belle : éloge de quelques pérégrins, Métropolis, 1996.

Bouvier, Nicolas. Oeuvres, Gallimard, 2004.

Bouvier, Nicolas. « Voyage, écriture, altérité », dans Langue, littérature et altérité, introduction par Dominique Vemaud, Lausanne, Université de Lausanne, 1992.

مقالات

پروینی، خلیل و فرشته کنجوریان، « بررسی سفرنامه ابن بطوطه»، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره اول، پاییز ۸۸.

